کیومرث پوراحمد

ناخدا علو با چهارده مرد دیگر برای صید به دریا می‌روند ولی همه به جز ناخدا، صید دریا می‌شوند. مردم، ناخدا را مسبب مرگ عزیزان‌شان می‌دانند و به او و خانواده‌اش حمله می‌کنند. در این بین هانیه، دختر خردسال ناخدا فلج می‌شود... این داستان فیلم «به خاطر هانیه» به نویسندگی و کارگردانی پوراحمد است. او این فیلم را در سال ۱۳۷۳ ساخت. «به خاطر هانیه» در سال ۱۳۷۴ در بیست و پنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم رشد به عنوان بهترین فیلم شناخته شد و جایزه کتاب سیمین را از آن خود کرد.

کیومرث پوراحمد

نرگس و نسرین دو دختر دبستانی در جشن مدرسه یکدیگر را می‌بینند و پی می‌برند که خواهران دوقلوی یکدیگرند و پدر آهنگسازشان در گذشته از مادر آن‌ها که حرفه‌اش خیاطی است، جدا شده اما آن‌ها از همه چیز بی‌خبرند.... این داستان فیلم «خواهران غریب» است. فیلمی که پوراحمد در چهاردهمین جشنواره فیلم فجر به خاطرش برنده سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی شد. بعد از دریافت جایزه ویژه هیئت داوران در سال ۷۱، به خاطر کارگردانی «شرم» این دومین حضور موفقیت‌آمیز پوراحمد در جشنواره بین‌المللی فیلم فجر بود.

دیو و دلبر – ۱۳۸۹

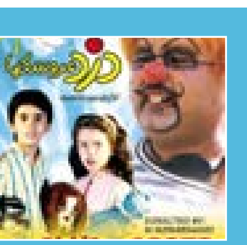
دزد عروسک‌ها – ۱۳۶۸

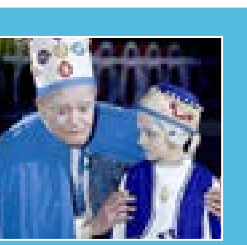
عملیات مهدکودک – ۱۳۹۱

کلاه قرمزی و بچه‌ننه – ۱۳۹۱

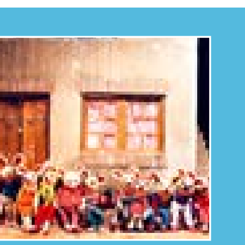
مدرسه موش‌ها – ۱۳۶۴

پیشونی سفید – ۱۳۹۰

فرزندخوانده – ۱۳۹۰

عملیات مهدکودک – ۱۳۹۱

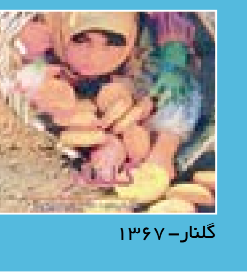
گلنار – ۱۳۶۷

گرداله – ۱۳۹۱

گنجشکک اشی‌مشی – ۱۳۹۲

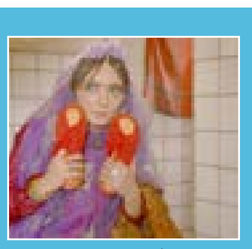
خاله سوسکه – ۱۳۸۸

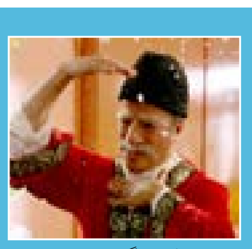
سلام بر فرشتگان – ۱۳۸۹

پاتال و آرزوهای کوچک – ۱۳۶۸

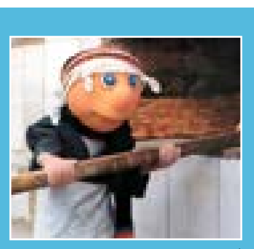
کلاه قرمزی و بچه‌ننه – ۱۳۹۱

مریم و میتیل – ۱۳۷۱

هم‌بازی – ۱۳۸۸

سلام بر فرشتگان – ۱۳۸۹

پیشونی سفید – ۱۳۹۰

دزد عروسک‌ها – ۱۳۶۸

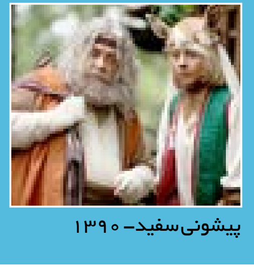
پیشونی سفید – ۱۳۹۰

قفل‌ساز – ۱۳۸۵

در نشست تخصصی صبا
و با حضور فیلمسازان عرصه کودک بررسی شد:
چگونه سینمای کودک را نجات دهیم؟

ما بیماریم و علاج‌مان ساختن فیلم کودک است

با حضور

وحید نیکخواه آزاد

غلامرضا رمضانی

فرزاد اژدری

نادره ترکمانی

مریم رضا زاده- جشنواره فیلم کودک هر ساله ویترین آثار تولید شده در این حوزه است. فیلم کودک طی روزهای برگزاری جشنواره بیشترین توجه‌ها را به خود جلب می‌کند اما باید بدانیم فیلم کودک به توجه و حمایت بیشتری نیاز دارد تا به رشد و بالندگی برسد. شاید بزرگ‌ترین معضل فیلم کودک، مسئله اکران باشد، گذشته از این‌که در بحث تولید هم مشکلاتی وجود دارد، باید برای نمایش و اکران فیلم‌های این حوزه امکان و بستر مناسبی فراهم کرد. این نظر هنرمندانی است که سال‌هاست در این زمینه کار کرده و موهایشان را در آسیاب سینمای کودک سفید کرده‌اند. یک بعد از ظهر بهاری با چند نفر از فیلمسازان کودک در تحریریه صبا درباره معضلات و مشکلات فیلم کودک به گفتگو نشستیم. وحید نیکخواه آزاد، غلامرضا رمضانی، فرزاد اژدری و نادره ترکمانی مهمانان ما بودند.

سال‌هاست جشنواره معتبر سینمایی کودک در کشورمان برگزار می‌شود و در این حوزه آثاری را تولید می‌کنیم. ولی واقعیت این است زمانی که به کارنامه کاری فیلم کودک در سال‌های اخیر دقت می‌شود، رشد و بالندگی فزاینده‌ای را شاهد نیستیم. نظرتان در این‌باره چیست؟

ترکمانی: تمام رسانه‌ها یا سایت‌های خبری این موضوع را مطرح می‌کنند که چرا سینمای کودک در سال‌های اخیر جایگاه خود را از دست داده است. فکر می‌کنم این قضیه تعمیم‌یافته‌تر از این صحبت‌هاست. چون حتی سینمای بزرگسال ما نیز جایگاه اصلی خود را از دست داده و اگر قرار باشد مسئله سینما را در سال‌های اخیر ریشه‌یابی کنیم، موضوعیتش گسترده می‌شود. جریان تولید فیلم و جذب مخاطب در حوزه سینما در کشورمان دچار مسائل جدی است، اما چون بحث ما در رابطه با سینمای کودک است، باید بگویم سینمای کودک بیشتر در این فضا آسیب دیده و کمتر به آن توجه شده است. سیاست‌های جدی و توجه به عملکرد را کمتر در این حوزه شاهد هستیم. با توجه به این که طیف مخاطب ما در سینمای کودک گسترده‌تر از مخاطب گروه بزرگسال است و اتفاقاً شور و هیجانی نیز در گروه سنی کودک و نوجوان وجود دارد که در بزرگسالان کمتر شاهدش هستیم، بنا بر این باید از این امکان بهره برد. گروه بزرگسال جذب رسانه‌های دیگری همچون اینترنت و... شده‌اند اما در حوزه کودکان فضا برای مانور فراهم‌تر بوده است. اگر همین اندک توجهی را که در حوزه سینمای بزرگسال وجود دارد به سینمای کودک داشتند، عرصه سینمایی موفقی داشتیم. ریشه این موضوع از عرصه سینما نیز می‌گذرد. شما ببینید، در حوزه ادبیات کودک و نوجوان نیز حمایتی وجود ندارد، در حوزه تفریح‌های بچه‌ها نیز و حتی در بحث آموزش و پرورش در گروه سنی کودکان و نوجوانان سیاست‌گذاری جدی، اساسی و درستی وجود ندارد. حتی شاهدیم، سیستم آموزش و پرورش نیز سال به سال در حال تغییر است. ما حتی در عرصه تصمیم‌گیری کلان کشور، مشاورانی در حوزه کودک و نوجوان به عنوان مثال در دفتر ریاست جهوری نداریم که بیایند و مسائل جدی مرتبط با کودکان و نوجوانان را به‌صورت کلان و در کشور بررسی کنند. سینمای کودک و نوجوان از چند ناحیه صدمه خورد. در برهه‌ای از زمان به طور کلی آن را در جعبه‌ای بسته‌بندی کرده و کنار گذاشتند و اگر می‌بینیم که اندک تاب و توان و نفسی برایش مانده، به دلیل شور و هیجان و عشقی است که تعداد اندکی از فیلمسازان در خودشان احساس می‌کردند و اگر همین افراد نیز کار را کنار می‌گذاشتند، همان تعداد محدود تولید آثار کودک را هم نداشتیم. در حال حاضر پخش حرفه‌ای سینمای کودک و نوجوان نداریم. شرکتی نداریم که به‌طور تخصصی فیلم کودک پخش کند. همچنین شیوه‌های تبلیغات نیز در حوزه سینمای کودک و نوجوان هرگز تعریف نشد. ما حتی سرگروه کودک و نوجوان و از همه مهم‌تر ساماندهی در این فضا نداریم و سیاست جدی در این عرصه وجود ندارد. چند بار نیز خودم این موضوع را پیشنهاد دادم که شورای عالی سینمای کودک و نوجوان در سازمان سینمایی شکل بگیرد که همه این گفتگوها و بحث‌ها، انتقادها و نظرهای هنرمندان این حوزه آن‌جا مطرح شود. این افراد باید جمع شوند تا به یک تصمیم‌گیری درست و فوری برسند. دیگر در حوزه سینمای کودک و نوجوان حرکت لنگ‌لنگان نتیجه‌ای نخواهد داشت و نیازمند حرکت پر سرعت هستیم.

نیکخواه آزاد: پاسخ به این پرسش بزرگ و اساسی، فرصت زیادی می‌طلبد؛ اما می‌کوشم در همین فرصت اندک دست کم به ریشه‌های آن بپردازم. شاید بخشی از پاسخ در سؤال شما نهفته باشد. می‌پرسید «سینمای کودک و نوجوان ما که جشنواره‌ای معتبر دارد، چرا رشد نکرده است؟» اشکال از همین‌جا شروع می‌شود که در سال‌های اخیر، موجود بودن سینمای کودک و نوجوان در کشور ما به برگزاری یک جشنواره گره خورده است؛ در حالی که برگزاری یک یا چند جشنواره سینمایی در یک کشور، باعث نمی‌شود که آن کشور را دارای صنعت سینما بدانیم. داشتن صنعت سینما پیش و بیش از هر چیز به داشتن تولیدهای منظم هر ساله و اکران عمومی آن متکی است. مشکل اصلی سینمای کودک و نوجوان ایران این است که مقصد نهایی تولیدهایش نه اکران عمومی، بلکه نمایش در جشنواره است؛ در حالی که انتهای خط سینمای کودک و نوجوان باید اکران باشد. وضعیت سینمایی که ما آن را به عنوان سینمای کودک و نوجوان می‌شناسیم، شبیه وضعیت خانواده‌ای است که در ۳۶۰ روز سال با فقر و نداری و مشکلات ریز و درشت دست و پنجه نرم می‌کند و فقط ۵ روز از سال (که همان دوره کوتاه برگزاری جشنواره است) به‌خاطر این که برایشان مهمان می‌آید، کمی تا قسمتی آبرومندانه زندگی می‌کنند. افراد این خانواده فقط ۵ روز در سال لباس نو می‌پوشند، غذای خوب می‌خورند و در خانه‌ای به ظاهر تمیز و مرتب زندگی می‌کنند. شاید مهمانی که از خارج آمده باشد، گول بخورد و فکر کند که این خانواده زندگی خوبی دارد، اما ما که اهل این خانواده هستیم، نباید ساده‌لوحانه چنین قضاوتی داشته باشیم. اما چرا سینمای کودک و نوجوان چنین سرنوشت اسف‌باری پیدا کرده و تقصیر از کیست؟ به اعتقاد من مقصر اعظم، نظام مدیریت سینمای ماست و مقصر کوچک‌تر، دست‌اندرکاران سینمای کودک و نوجوان و رسانه‌ها و مطبوعات هستند. ممکن است فکر کنید نظام مدیریت دولتی از آن جهت مقصر است که از سینمای کودک و نوجوان حمایت نمی‌کند، درست برعکس. تقصیر اصلی مدیریت دولتی سینما این است که سینمای کودک و نوجوان ما را به حمایت‌هایی (که کم یا زیادش مهم نیست) وابسته و معتاد کرده و در جریان این حمایت‌ها (که معمولاً نه به‌موقع بوده، نه مستمر، نه کافی، نه عادلانه، نه کارشناسانه و نه بی‌چشمداشت) بندهایی را به پای سینمای کودک و نوجوان ما بسته که باعث انحطاط آن شده است. در این زمینه حرف‌های دیگری دارم که در ادامه گفتگو به آن خواهم پرداخت.

اژدری: فکر می‌کنم این سؤال کلی، چند جواب سر راست دارد و سر راست‌ترین جواب این است که مسئولان مرتبط با سینما و نهادهایی که برای سینمای کودک سیاست‌گذاری می‌کنند و کسانی که بودجه در دسترس آن‌هاست و حتی کسانی که حمایت می‌کنند، از کودکی بی‌اطلاع هستند و تعریفی از کودکی ندارند. جایی نیز گفتم که با سینمای کودک مانند یک کودک برخورد می‌شود. نه تنها ماجرا را شوخی می‌گیرند بلکه از سر صدقه و حالا این که یک فیلم کودک نیز در اکران داشته باشیم، برخورد می‌کنند، در حالی که می‌دانیم که اگر امروز و حالا به نسل امروز توجه کنیم، ۲۰ سال بعد جوابش را خواهیم گرفت. برخی از مدیران ما کودکی را نمی‌شناسند. این موضوع مانند آلودگی هوا به مرز خطر رسیده، حتی از هشدار نیز رد شده و خیلی ترسناک است. نمی‌دانیم این دوستانی که ساعت‌ها از این جلسه به آن جلسه می‌روند و سیاست‌گذاری می‌کنند و واقعاً فرزندان خودشان را چند ساعت در روز می‌بینند؟ چگونه با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کنند؟ فکر می‌کنم همان ارتباطی را با فرزندان خودشان دارند که با سینمای کودک و نوجوان دارند. اصلاً توجه نمی‌کنند که سینمای کودک چه‌قدر مهم است. داستان دیگر این است که به‌دنبال این توجه یکسری تابوها در چند سال اخیر باب شده که فیلم کودک نمی‌فروشد، فیلم کودک خریدار ندارد، چه کسی فیلم کودک کار می‌کند و برگشت سرمایه‌اش کجاست؟ یعنی یک چیز غلطی را پی می‌گیرند که باعث می‌شود، فیلمسازان یا تهیه‌کنندگانی که تا به حال نیز در سینمای کودک و نوجوان مشغول به فعالیت بودند، از عرصه ساخت فیلم کودک فراری شوند. یک دلیل دیگر بی‌توجهی به سرگرمی‌سازی است. گاهی اوقات یادمان می‌رود که اصل سینما سرگرم کردن و بعد مشت محکم زدن به دهان این و آن است. اول نباید پیام بدهیم و خودمان را مطرح کنیم، اصل سینما سرگرمی است و اساس سینمای کودک و نوجوان نیز سرگرمی است. زمانی که این را از سینمای کودک می‌گیریم و بعد می‌گوییم حالا که سینمای کودک نمی‌فروشد، پس خرج زیادی نکنیم یا فلان بازیگر مطرح را نیاوریم یا فلان پروداکشن را نداشته باشیم و... در این صورت به فیلم‌های بی‌خاصیتی تبدیل می‌شود که از نظر همان مسئولان که کودک را نمی‌شناسند بسیار عالی است. فکر می‌کنم اگر قرار باشد اتفاقی برای سینمای کودک بیافتد، باید هزینه جداگانه‌ای برایش پرداخت شود. زمانی برای سینما سوبسید پرداخت می‌شد. آن را برداشتند که بهتر شود اما بدتر شد. سینمای کودک نیاز به حمایت همه جانبه دارد. ما اصلاً اکران نداریم و بسیاری از فیلم‌های ما هنوز در گنجه است. بدون هیچ‌گونه دلیل موجهی این فیلم‌ها بلوکه می‌شود. به نظر من رشد در سینمای کودک وجود دارد. به واسطه کارم در دفتر جشنواره فیلم کودک فقط فیلم‌های سینمایی بلند را نمی‌بینم، فیلم‌های کوتاه و انیمیشن و تله‌فیلم‌هایی که در زمینه کودک ساخته شده را هم می‌بینم و رشد خوبی در سطح کیفی آثار شاهد هستم. مخصوصاً در بخش انیمیشن هم در تهران و شهرستان‌ها، انیمیشن‌های فوق‌العاده‌ای تولید شد که جایزه هم گرفته‌اند.

> **نیکخواه:** گاه و بیگاه به «دوره طلایی سینمای کودک ایران» اشاره می‌شود؛ دوره‌ای که از سال ۱۳۶۷ شروع شد و طی آن سینمای کودک و نوجوان ما «خوش درخشید؛ ولی دولت مستعجل بود» و در سال ۱۳۷۲ از رمق افتاد و به تدریج افول کرد.

رمضانی: ای کاش یک مسئول دولتی هم در جمع ما بود تا پاسخ برخی سؤالات‌مان را می‌داد وگرنه ما که چند فیلمساز هستیم و تقریباً نظرهای مشترکی داریم. متأسفانه سینمای کودک هنوز به دغدغه تبدیل نشده است. گذشته از این که مسئولان توجه نمی‌کنند، مطبوعات هم توجه نمی‌کنند. مثلاً اگر یک فیلم بزرگسال در حال تولید باشد، آن را تیتر می‌کنند اما درباره فیلم کودک یک خط هم نمی‌نویسند مثلاً فیلم فلان هم برای جشنواره فیلم کودک آماده شد. سینما در ایران مانند بسیاری از پدیده‌های اجتماعی بخش اعظم سیاست‌های دولت است و در آن نیز هیچ شکی نیست. برای جهت دادن به سیاست خودشان در هر جشنواره‌ای یک جریان سینمایی مطرح می‌کردند، بعد از چند سال متوجه می‌شدند آن جریان اشتباه بود و دوباره یک جشنواره و پدیده دیگر را پی می‌گرفتند. به عنوان مثال یک خانمی با آقایی ازدواج می‌کند، بدعت این ازدواج چیست؟ این است که تا کفن‌پوش با هم باشند و هیچ چیزی نباید خللی در آن ایجاد کند و مانع از زندگی مشترک‌شان شود. سینمای کودک و نوجوان، جریان بسیار مهمی در جامعه است. آن‌قدر مهم که یک مسئول باید اعلام کند به عنوان مثال بخشی از درآمدهای مالیاتی به سینمای کودک تعلق بگیرد. این جریان آن‌قدر مهم است که دستخوش آمار و ارقام شد، نه دستخوش واقعیت. شمای مسئول برایتان آمار مهم است. به همین دلیل مطرح می‌شود که در جشنواره کودک ۵ سال پیش و یا ۱۰ سال پیش و یا پارسال، ۴۵۸ فیلم بلند و ۳۲ فیلم کوتاه و ۲۰۰ فیلم انیمیشن به نمایش گذاشته شد، خوب ما که در جشنواره‌ها حضور داشتیم و دیدیم که در بعضی فیلم‌ها تعداد تماشاگران نصف سالن هم نمی‌شد و نمایش برخی فیلم‌ها فقط با ۲ تماشاگر بود. حجم بالای برنامه نشان‌دهنده آمار و ارقام و رفع تکلیفی است که طی مدتی که جشنواره در حال برگزاری است، انجام شود.

ترکمانی: حتی در مورد فیلم‌های آسمان باز و هنر تجربه الان تصمیم‌گیری و گروه‌شان مشخص شده است و قرار است در گروه مشخصی نیز به اکران گذاشته شوند. در برخی اکران‌های همین آثار دیده‌ام که برخی از این فیلم‌ها با ۲۰ تماشاگر نمایش داده شدند. اما با این حال برایشان موقعیت اکران تعریف شده است، حالا سؤال من این است که چرا سینمای کودک مورد بی‌مهری قرار می‌گیرد و تصمیمی برای اکران این آثار گرفته نمی‌شود؟ هم مدیران ارشد ما مقصر هستند و هم رسانه‌ها و هم فیلمسازان. راستش در چنین شرایطی من و تعدادی از دوستان به این نتیجه رسیدیم که اگر به چیزی معتقد هستیم باید خودمان هم گام برداریم. بنا بر این به دوستان پیشنهاد دادم تشکل هنری راه‌اندازی کنیم که در حوزه سینمای کودک و نوجوان فعالیت کند تا فضای فرهنگی در جامعه ایجاد کنیم. در جامعه ما، هم مدیران هستند هم متولیان سینما و هم رسانه‌ها، هم فیلمسازان و نیز خانواده‌هایی که فرزندان‌شان را به سینماها می‌برند و ده‌ها مرکز و سازمان و نهاد که به نوعی با کودکان و نوجوانان مرتبط هستند. بیشتر از دو سال پیگیری کردم تا توانستم جایی را به عنوان «بنیاد سینمایی کودک» تأسیس کنم. فکر کردیم باید جریان‌سازی کنیم. یک جشنواره که در طول سال برگزار و سپس تمام می‌شود، دردی از سینمای کودک و نوجوان درمان نمی‌کند. گفتیم جریانی بسازیم که شروع به ایجاد یک فضای فرهنگی برای سینمای کودک کند. در حال حاضر با کانون پرورش فکری گفتگوهایی انجام دادیم، آن‌ها نیز استقبال کردند. قرارمان این شد که هر ۱۵ روز یک‌بار نمایش فیلم‌های کودک را در سینمای کانون داشته باشیم تا به تدریج افزایش یابد. به نوعی هدف‌مان این است که «پاتوق سینمای کودک» را راه‌اندازی کنیم. گذشته از این در بین کسانی که در حوزه ادبیات کار می‌کردند یا افرادی که فعالیت‌های بینابین کودک و ادبیات کودک و سینمای کودک داشتند جستجو کردیم، علاقه‌مندانی پیدا کردیم که به یاری ما آمدند و در حال حاضر «بانک اطلاعاتی سینمای کودک و نوجوان» را راه‌اندازی کرده‌ایم. حتی تلاش کردیم که حمایت آموزش و پرورش را هم جلب کنیم، این که در مدارس هم فیلم نمایش دهیم. ما جریان‌سازی مدنظرمان است. این که جلسه‌های تخصصی با افرادی که می‌توانند جریان‌سازی کنند و همچنین اقداماتی داشته باشیم تا جامعه به فیلم کودک حساس شود و درجه اهمیت آن را دریابد و سینمای کودک مورد توجه قرار گیرد. این موضوع می‌تواند به حیات سینمای بزرگسال نیز کمک کند.

نقش فارابی در پیشرفت سینمای کودک

آقای نیکخواه، شما معتقدید اگر بندهایی که در طول سال‌ها به پای سینمای کودک و نوجوان ما بسته شده، گشوده شود، این گونه سینمایی با سرعت بیشتری به راه خود ادامه خواهد داد. این بندها و به عبارت بهتر آسیب‌ها و مشکلات چیستند؟

نیکخواه: هنگام گفتگو درباره سینمای کودک و نوجوان، گاه و بیگاه به «دوره طلایی سینمای کودک ایران» اشاره می‌شود؛ دوره‌ای که از سال ۱۳۶۷ شروع شد و طی آن سینمای کودک و نوجوان ما «خوش درخشید؛ ولی دولت مستعجل بود» و در سال ۱۳۷۲ از رمق افتاد و به تدریج افول کرد. شاید بررسی سیاست‌ها و شیوه مدیریتی که منجر به شکل‌گیری آن دوره طلایی شد، به ما کمک کند که درک بهتری از اقدام‌های ضروری برای اعتلای مجدد سینمای کودک و نوجوان پیدا کنیم. بارزترین مشخصه این دوره این است که مدیریت فرهنگی سینما (و به‌ویژه مدیرعامل وقت بنیاد سینمایی فارابی، سیدمحمد بهشتی) هم به اهمیت سینمای کودک و نوجوان واقف بود و هم عزمش را جزم کرده بود تا این گونه سینمایی را تأسیس و شکوفا کند و به سامان برساند. بنیاد فارابی در سال ۱۳۶۴ کار خود را آغاز می‌کند. یکی از اولین فعالیت‌های بنیاد فارابی، سرمایه‌گذاری برای ساخت فیلم «شهر موش‌ها» است. این نشان می‌دهد که مدیریت فرهنگی بنیاد تازه تأسیس، هم به اهمیت سینمای ویژه کودکان و نوجوانان واقف است و هم عزم لازم برای شکل دادن به این سینما را دارد. هوشمندی این مدیریت فرهنگی در آن بود که تنها قدم اول را برداشت و با تولید و اکران گسترده و موفقیت‌آمیز این فیلم، به بخش خصوصی نشان داد که سینمای کودک و نوجوان جایی مطمئن برای سرمایه‌گذاری است. من (که در آن زمان در کنار سرکار خانم فرشته طائرپور «خانه ادبیات و هنر کودکان و نوجوانان» را اداره می‌کردم، به یاد دارم که سیدمحمد بهشتی شخصاً ما (و بسیاری دیگر) را به بنیاد سینمایی فارابی دعوت و به ساختن فیلم برای کودکان و نوجوانان ترغیب کرد. با بسترسازی و کمک فارابی بود که ما به ساختن «گلنار» همت کردیم. یک سال پیش از تولید «گلنار»، غلامرضا آزادی و فریال بهزاد «کاکلی» را ساخته بودند و یک سال بعد از آن، فیلم‌های متعددی در این گونه سینمایی ساخته شد؛ «دزد عروسک‌ها»، «سفر جادویی»، «پاتال و آرزوهای کوچک» و کمی بعدتر «مدرسه پیرمردها»، «راز چشمه سرخ» و بسیاری فیلم‌های دیگر و جالب این که همه این فیلم‌ها به همت و با سرمایه بخش خصوصی و تنها با حمایت بنیاد سینمایی فارابی ساخته شدند. لطفاً به این نکته توجه کنید که بنیاد فارابی ابتدا تولید را راه‌اندازی کرد و بخش خصوصی را به طور جدی و فعال وارد عرصه تولید کرد و سپس به برپایی جشنواره‌ای مستقل برای سینمای کودک و نوجوان پرداخت. از سال ۱۳۶۸ و پس از تولد موفقیت‌آمیز سینمای کودک و نوجوان است که بخش کودک و نوجوان از بدنه جشنواره فیلم فجر جدا می‌شود و هویتی مستقل می‌یابد. در همین سال ۶۸ است که گروه نمایش دهنده فیلم‌های سینمایی کودک و نوجوان ابتدا با ۵ سینما در تهران شکل می‌گیرد و خیلی زود در شهرهای دیگری چون اصفهان، مشهد، شیراز و تبریز نیز سینماهای ویژه نمایش فیلم‌های کودک و نوجوان تأسیس می‌شود. در همین سال‌هاست که سیدمحمد بهشتی به اهمیت نقش آموزش و پرورش (که مخاطبان این سینما را سه چهارم سال در اختیار دارد) در اعتلای سینمای کودک و نوجوان اشاره می‌کند و مجدانه شورای مشترک بنیاد سینمایی فارابی و آموزش و پرورش را شکل می‌دهد.

دلیل این همه فعالیت بی‌سابقه، مدیریت فرهنگی آگاه و مصممی بود که اهمیت موضوع و ابعادش را می‌شناخت. مدیریت فرهنگی‌ای که می‌دانست سینمای کودک و نوجوان فقط تولید، فقط اکران و فقط جشنواره نیست؛ بلکه واقف بود که سینمای کودک و نوجوان دایره‌ای است که خودش از حلقه‌های متعددی تشکیل شده است. در همان سال‌هاست که در بنیاد سینمایی فارابی گروه کودک و نوجوان تشکیل می‌شود که داریوش نوروزی مسئول آن است و شورایی مستقل از شوراهای دیگر دارد. در همان سال‌هاست که در بنیاد سینمایی فارابی گروهی برای اداره سینماهای گروه کودک و نوجوان و آماده‌سازی فیلم‌های سینمایی خارجی و دوبله و تبلیغات آن تشکیل می‌شود. به این ترتیب، دایره کاملی که از پنج حلقه «مدیریت فرهنگی، تولید فکر و فیلمنامه، تولید منظم و غیر تصادفی و مستمر فیلم، نمایش جشنواره‌ای و اکران عمومی» است، شکل می‌گیرد.

در حال حاضر از این دایره کامل، جز حلقه جشنواره چیزی باقی نمانده است. نه نهاد مسئولی برای تولید فکر و کمک به ارتقای فیلمنامه داریم، نه تولیدمان نظام‌مند است و نه حمایت از آن، نه بخش خصوصی رغبت ورود به عرصه تولید را دارد، نه فیلمی شایسته اکران گسترده داریم، اگر هم داشته باشیم، نه طرح حساب‌شده‌ای برای اکران داریم و نه نهاد مسئولی که در پایان هر سال، کارهای انجام شده و نشده آن سال را جمع‌بندی کند و برای سال پس از آن، طرحی نو دراندازد. اما به جای همه این‌ها جشنواره‌ای داریم که صورت خود را با سیلی سرخ نگه می‌دارد و پیش چشم بیگانگان آبروداری می‌کند ولی شاه‌بیت غزل زیبایی که سیدمحمد بهشتی به عنوان مدیر عامل فارابی و معمار سینمای نوین ایران با کمک همکارانش سرود، این است که او و همکارانش خودشان را جاده‌صاف‌کُن سینمای کودک و نوجوان می‌دانستند؛ به این معنا که تلاش‌شان تنها معطوف به این بود که راه را باز و تسطیح کنند تا بخش خصوصی بتواند سریع‌تر و با خسارت کمتر در آن حرکت کند. آن‌ها بر خلاف اکثر مدیریت‌های متعدد بعدی به این نکته توجه داشتند که این جاده، مسیری باریک نیست، بلکه شاهراهی چند بانده است که در آن فضای کافی برای تولید، اکران و جشنواره تعبیه شده است.

اما گذشته از مسئولان سینمایی و مدیریت فرهنگی ناکارآمد، ما سینماگران و شما رسانه‌ها و مطبوعات هم کم یا زیاد در افول سینمای کودک و نوجوان مقصریم. با همه احترامی که برای فعالیت نهادهایی چون «بنیاد سینمای کودک و نوجوان» قائلم و با این که معتقدم خوب است به جای لعنت فرستادن به تاریکی، شمعی روشن کنیم، باید تأکید کنم با این تک‌شمع‌ها فضای سینمای کودک و نوجوان روشن نخواهد شد. باید از هر راه ممکن و با برنامه‌ریزی گسترده و دقیق، اهمیت سینمای کودک و نوجوان را به مسئولان بفهمانیم. باید به آن‌ها بگوییم: «اگر شما هفت، هشت ماه است که مدیریت فرهنگی سینمای کودک و نوجوان را به عهده گرفته‌اید، مجموع تجربه ما فیلمسازان سینمای کودک و نوجوان (ما فیلمنامه‌نویسان، تهیه‌کنندگان و کارگردانان) از یک قرن هم تجاوز می‌کند. پس بی‌توجهی شما به حاصل عمر ما، بی‌شباهت به بی‌توجهی یک کودک یک یا چندساله به پیرمردی کارآزموده و کارکُشته است.» باید با کمک هم متوجه‌شان کنیم که ما دنبال کمک گرفتن از شما نیستیم؛ چون فکر می‌کنیم اگر شما بندهایی را که در طول سال‌ها به عمد یا سهو به پای سینمای کودک و نوجوان این مرز و بوم بسته شده، باز کنید، ما یک بار دیگر به شما و به خودمان نشان می‌دهیم که سینمای کودک و نوجوان ایران موفق‌ترین و مؤثرترین گونه سینمایی کشورمان است.

کاش مسئولان و مدیران فرهنگی امروز سینمای کشورمان امکانی برای گفتگو با سینماگران سینمای کودک و نوجوان فراهم می‌کردند یا دست کم اعلام می‌کردند که تعریف‌شان از سینمای کودک چیست؛ چه‌قدر به آن اهمیت می‌دهند؛ برنامه‌هایشان برای ارتقای آن چیست و چه عِدّه و عُدّه‌ای را برای به بار نشستن آن مهیا کرده‌اند. متأسفانه در طول هفت، هشت ماه اخیر، تلاش مستمر ما به‌منظور متقاعد کردن سه، چهار تن از این مدیران عزیز برای گفتگوی حضوری هنوز به نتیجه‌ای نرسیده، اما «هزار باده ناخورده در رگ تاک است.»

تخصیص سینما به فیلم‌های کودک

شما به تولید نظام‌مند و حمایت از تولید و اکران اشاره کردید، یک پروسه مهم در حوزه فیلم کودک. ما می‌توانیم این ادعا را داشته باشیم که تولید داریم حالا نه به شکل نظام‌مند و خیلی جدی اما فیلم کودک تولید می‌کنیم. مسئله مهم، اکران است و شاید بزرگ‌ترین مشکل سینمای کودک هم همین باشد. مشکل اکران کجاست و چه‌طور می‌توان حلش کرد؟

رمضانی: همه این‌ها یک چرخه به هم پیوسته است. وقتی که سینمای کودک به طور آزادانه و با فراغ بالی کارش را انجام دهد، طبیعتاً اکران هم خواهد داشت. بخشی هم برمی‌گردد به سیستمی که قبلاً پیگیری کرده‌اند و آمدند ۵ سینما در تهران را مختص سینمای کودک کردند. این چرخه را تعطیل کردند و وقتی بسیاری از فیلم‌ها پشت صف اکران ماندند، فیلم کودک هم طبیعتاً در این میان جایی نداشت. فرض را بر این بگذاریم که ۵ درصد سینماهای تهران را به فیلم کودک اختصاص دهند، هیچ مشکلی به وجود نمی‌آید اما مشکل این‌جاست که حتی آموزش و پرورش نیز سینمای خود را مختص به کودک نکرده است. زمانی می‌توانیم به اکران مناسب برسیم که یکسری از سینماها فقط مختص سینمای کودک باشند. ضمناً ما از فیلم‌های کودک توقع نداریم که بازگشت سرمایه آن‌چنانی داشته باشد ولی توقع این را داریم که برای کودک و نوجوان فرهنگ‌سازی داشته باشد. گذشته از این، اگر فیلم‌های من فیلمساز کودک که در آرشیو فارابی و جاهای دیگر خاک می‌خورند، اکران می‌شدند و تماشاچی می‌دید و بازخوردش را می‌گرفتم، فیلم بعدی را طوری می‌ساختم تا تماشاچی راضی از سالن بیرون بیاید و خوشحال باشد. ولی این اتفاق نیافتاده است و ما فیلم را برای آرشیو ساخته‌ایم. همه سینمای کودک این‌طور است. در مواردی که خیلی موفق بودند چند نمایش جشنواره‌ای و خصوصی داشتند یا در چرخه اکران ۴ سالن در اختیار می‌گرفتند.

ترکمانی: ما نیاز به «شورای عالی سینمای کودک و نوجوان» داریم به این دلیل که سینمای کودک و نوجوان بسیار اهمیت دارد و به همین دلیل پیشنهاد «شورای عالی سینمای کودک و نوجوان» را دادم تا وضعیت تولید، پخش، حمایت و سرگروه داشتن برای سینمای کودک مشخص شود. در حوزه پخش و دیده شدن و حمایت در پخش باید تصمیم‌گیری از جانب مدیران کلان جامعه ما باشد و هر چه‌قدر تولیدهای درجه یک و آثار خوب داشته باشیم، برود و در انبار بماند، هیچ فایده‌ای ندارد. باید بدانیم اگر سینمای اجتماعی، کمدی و... ما دوران طلایی نداشته، اما سینمای کودک‌مان دوران طلایی داشته است. پس باید بر اساس داشته‌های قبلی، چراغ راه آینده را روشن کرد و مسیر آینده را دید. به همین دلیل تنها توصیه من این است که یک شورای عالی تشکیل شود و از تمام کسانی که مخلصانه و با آگاهی نسبت به این جریان سینمایی می‌توانند تصمیم‌گیری کنند دعوت به عمل آید و تکلیف تولید و اکران و سرگروه داشتن سینمای کودک و خیلی چیزهای دیگر مشخص شود. شما ببینید از این آشفته‌بازار در سینمای کودک چه کسانی بهره می‌برند؟ فرزند من کلاس ششم ابتدایی است. به من می‌گوید: «مامان، ما را می‌خواهند ببرند فیلم معراجی‌ها» چرا فیلم کودک روی اکران نباشد و بچه‌ها فیلم کودک نبینند؟ چرا چنین اتفاقی باید بیافتد؟ نتیجه می‌گیریم زمانی که ما از یک طرف کم‌کاری می‌کنیم کسانی هم از طرفی دیگر بهره‌برداری سوء می‌کنند. چرا کسی به فکر تولیدهایی که بابت آن هزینه و نیروی انسانی استفاده شده، نیست؟ به نظرم باید مدیران ارشد ما در این حوزه جواب دهند.

نیکخواه: اجازه می‌خواهم با خانم ترکمانی مخالفت کنم. می‌فهمم که انبوهی فیلم داریم که در انبارها مانده است. خود من سه فیلم اکران نشده دارم. اما مایلم از ایشان و از خودم بپرسم که اگر من به جای این سه فیلم، یک «گلنار» دیگر، یک «شهر موش‌ها»ی دیگر، یک «سفر جادویی» دیگر، یک «خواهران غریب» دیگر ساخته بودم، باز هم سه فیلم اکران نشده، داشتم؟ نمی‌خواهم بگویم ما مقصریم که این فیلم‌ها را ساخته‌ایم. ضمناً متوجه این نکته هم هستم که حساب اخراجی‌ها و افراطی‌ها و معراجی‌ها از حساب ما جداست؛ اما نمی‌توانم انکار کنم که اگر ما سالی هفت، هشت فیلم پرمخاطب، جذاب و سالم برای بچه‌ها بسازیم، دیگر به این راحتی فضا در اختیار فیلم‌هایی که برای بعضی از گروه‌های سنی حتی می‌توانند مخرب باشند، قرار نخواهد گرفت.

ترکمانی: من می‌خواهم که بحث سینمای کودک تا رسیدن به یک نتیجه نهایی از طریق جریان پخش، از طریق مدیران سینمایی و متولیان این قضیه دنبال شود چون ما تا زمانی که سینمای کودک را در جامعه تبدیل به جریان نکنیم، به نتیجه نمی‌رسیم. معتقدم که حتی «شهر موش‌ها» نیز که در حال ساخت است با پشتیبانی قوی‌ای که دارد اگر فروش چند میلیاردی هم داشته باشد، جریان خاصی برای سینمای کودک ایجاد نکرده است. جریان سینمای کودک یعنی این که در این گونه سینمایی مثل یک خیابان با باند عریض، تعداد زیادی در یک مجموعه گسترده در حال جلو رفتن باشند و انقطاعی وجود نداشته باشد. این که یکی، دو سال پیش «کلاه قرمزی» آمد و به علت بک گراند و نوستالژی‌ای که در ذهن مردم داشت خوش درخشید و فروش خوبی کرد درست، اما جریان برای سینمای کودک ایجاد نشد. «شهر موش‌ها» نیز به علت نوستالژی ۳۰ سال گذشته‌اش فرصتی است تا مادر و پدرها دوران کودکی‌شان را به یاد بیاورند و بچه‌های خودشان را نیز به سینما ببرند چون من می‌دانم که بچه‌های امروز خودشان زمینه‌ای از «شهر موش‌ها» ندارند. حتی با فروش بالای این فیلم هم باز در سینمای کودک جریان درست نکرده‌ایم. جریان سینمای کودک یعنی ایجاد پشتوانه قوی برای تولید و پخش و داشتن سرگروه و سینما و مدیری که دغدغه سینمای کودک را داشته باشد و اگر قرار باشد در مورد اهمیت سینمای کودک یک جمله بگویم همین بس که آینده ما و نسل فعالان ما در علم و دانش و تکنولوژی و فرهنگ و توسعه همین بچه‌های ۷ الی ۱۰ ساله‌ای هستند که مخاطبان سینمای ما هستند و ما می‌توانیم با سینما اتفاق‌های بزرگی ایجاد کنیم. بالا برویم و پایین بیاییم سینما هنر هفتم است و تأثیرگذارترین نوع هنری است. در این سال‌ها فیلم و سینما جای ادبیات و کتاب خواندن را هم در بچه‌ها گرفته است البته این اتفاق خوبی نیست. ما باید به این موضوع توجه کنیم و فرصت را مغتنم بشماریم. شما نگاهی به آثار سینمایی که در جهان ساخته شده بیاندازید و بررسی کنید که فیلم‌هایی که در طول سال در عرصه‌های مختلف در جهان تولید می‌شود، تولیدهای درجه یک آن‌ها را یک طرف بگذارید و تولیدهای درجه یک جهانی در حوزه سینمای کودک را در طرف دیگر بگذارید، وزنه تولیدهای درجه یک جهانی در حوزه سینمای کودک سنگین‌تر است. با همه این آگاهی‌ها باز اجازه می‌دهیم که درها باز باشد فقط برای ورود آثار غیر ایرانی. البته هیچ اشکالی ندارد و من خودم جزو بیننده‌های آثار کودک در سرتاسر جهان هستم اما تا زمانی که نخواهیم از این بازار مصرف حداقل نیم درصد برای تولیدهای داخلی خودمان باشد، در واقع بچه‌هایمان را به دست فرهنگ‌سازی غیر ایرانی سپرده‌ایم و هر چه‌قدر که شما فکر کنید که ما نمی‌توانیم به تولیدهای درجه یک جهان برسیم ولی ما سینمای خودمان، زبان و بیان و فرهنگ خودمان را داریم و بهتر می‌توانیم با بچه‌های خودمان ارتباط برقرار کنیم. اگر به این موضوع اعتقاد داریم که تولید و نمایش فیلم کودک برای کودکان و نوجوانان کشورمان امری ضروری و فرهنگ‌ساز است، پیشنهادم این است که سازمان سینمایی و بنیاد سینمایی فارابی و کسانی که در این حوزه تصمیم گیرنده هستند به یک اجماع برسند و سینماها در هر فصل سال ۲ فیلم کودک را در اکران داشته باشند.

> **رمضانی:** وقتی که سینمای کودک به طور آزادانه کارش را انجام دهد، طبیعتاً اکران هم خواهد داشت. بخشی هم برمی‌گردد به سیستمی که قبلاً پیگیری کرده‌اند و آمدند ۵ سینما در تهران را مختص سینمای کودک کردند. این چرخه را تعطیل کردند

باید فیلم خوب بسازیم

پیشنهادتان برای این که از تمام ظرفیت‌ها و پتانسیل‌هایی که وجود دارد استفاده کنیم و به رشد صد درصدی در حوزه سینمای کودک برسیم، چیست؟

رمضانی: فیلم خوب بسازیم. یک فیلمنامه خوب و بودجه خوب ما را به فیلم خوب می‌رساند. من مثال ساده‌ای می‌زنم. می‌گویند دهه ۶۰ تا ۷۰ خیلی خوب بود. به این دلیل که در آن زمان سیاست بر این بود که کودک مهم‌ترین عنصر است و به مرور زمان که جلو آمدند این سیاست توسط مدیرانی که جابه‌جا شدند، تغییر کرد و تبدیل به این شد که آمار، مهم‌ترین عنصر توسعه ماست که این دو با هم تضادی به وجود آورد و سینمای کودک تبدیل به شکلی از بیراهگی شد. من وقتی فیلم «عبور از تله» را خودم ساختم، معتقد بودم که فیلم کودک و نوجوان است ولی هیچ کسی معتقد نبود چون فکر می‌کردند فیلم، پلیسی است. فیلم بعدی من فیلمنامه خوبی داشت اما بودجه سنگینی برای تولیدش لازم بود. ما یک سال دوندگی کردیم و کسی را پیدا نکردیم که روی این فیلم سرمایه‌گذاری کند و هر جا که می‌رفتیم می‌گفتند که اگر تا این سقف هزینه بود، خیلی خوب می‌شد. بحث این بود که در اکران سینماها که آن ۵ سالن را هم گرفتند دیگر جایی برای فیلم کودک نبود. گذشته از این به مرور به دلیل عدم سرمایه‌گذاری، قدرت تخیل از این نوع سینما حذف شد و بعد فیلم‌های فاخر جای آن را گرفت و کم کم جلو آمدیم تا به آثار فاخری رسیدیم که با رقم‌های میلیاردی ساخته شدند. زمانی که ماجرا سیاسی می‌شود، زمانی که من به عنوان مدیر می‌خواهم میزم را حفظ کنم، آن‌وقت است که همان ۲ درصد بودجه سینمای کودک را هم صرف این موضوع نمی‌کنم. ما باید در سینمای کودک آزمون و خطا کنیم و دوستان بلد و کارشناس بیایند و فیلم‌های متفاوت در ژانرهای مختلف انیمیشن و عروسکی و زنده با حجم تخیل بالا بسازند. وقتی چنین آثاری می‌سازیم تولیدهای کودک به سطح قابل قبول می‌رسند.

اژدری: حرف اول و آخر را آقای رمضانی گفتند: «فیلم خوب بسازیم.» دو نکته هست. یکی این که ما یعنی فیلمسازان بدون کمک دولت فیلم بسازیم. می‌توانیم چندین فیلمساز دور هم جمع شویم و تعاونی تشکیل دهیم. بگوییم دستمزد زیاد نمی‌گیریم اما فیلم خوب می‌سازیم. آن‌وقت پخش‌کننده و سینمادار و کسی که معتقد است فیلم کودک نمی‌فروشد، می‌بیند و متوجه می‌شود که این‌طور نیست، فیلم را می‌گیرد و اکران می‌کند و مسئولان هم از ما می‌خواهند فیلم‌های تخیلی و پرفروش بسازیم.

ترکمانی: اشکال اساسی این است که پخش‌کننده‌های ما آگاهی کامل نسبت به سینمای کودک ندارند. تهیه‌کننده‌های خصوصی وحشت دارند و خیلی هم سینمای کودک را جدی نمی‌گیرند. مدیران ما نیز متأسفانه سینمای کودک را در حاشیه گذاشته‌اند. در حال حاضر به مرز بحران رسیده‌ایم و باید گام بزرگی برداشته شود و الان در این مرحله زمانی دیگر نمی‌شود با گام‌های کوچک به نتیجه رسید. ما فیلمسازها باید به اندازه خودمان یک چراغ روشن کنیم و تلاش کنیم، اما گام بزرگ را باید مدیران فرهنگی ما بردارند آن هم با یک حرکت پر خروش.

ما بچه‌ها را دوست داریم

همه شما در این راه زحمت کشیده‌اید. آقایان رمضانی و نیکخواه سال‌هاست که در سینمای کودک فعالیت می‌کنند و خانم ترکمانی و آقای اژدری هم برای فیلمسازی، ژانر کودک را برگزیدند. چه شد که ژانر کودک انتخاب‌تان شد؟

رمضانی: بیماریم (می‌خندد) علاج درمان‌مان فقط سینمای کودک است. در روان‌شناسی چیزی را به عنوان خلأ ذهنی داریم که آدم را درگیر می‌کند و اگر نباشد عامل روان‌پریشی می‌شود و در حال حاضر درمان ما در زندگی این است که در سینمای کودک باشیم. من سینمای کودک را دوست دارم و کار می‌کنم. در شکل کلی آن‌چه مشخص است این است که ما خروجی مطلوبی از سینمای کودک نداریم. امیدواریم همان چراغ که ذره‌ای از آن را خانم ترکمانی روشن کرد به یک جریان تبدیل شود و مدیران هم در مقابل یکسری از دوستان که متعهد هستند، پاسخ دهند. مشکل ما در مدیریت فعلی و ۱۰ سال اخیر این است که هیچ مدیری پاسخگوی هیچ کسی نیست. یک سال است از مدیریت جدید تدبیر و امید گذشته و شما بفرمایید در مورد سینمای کودک چه تصمیمی گرفتند تا ما هم بدانیم. برنامه‌هایشان را اعلام نکردند. فقط سینمای کودک است که مثل شمع می‌سوزد و بعد هم باید افسوس بخوریم که این ظرفیت از دست‌مان رفت. باید فکری به حالش کرد.

نیکخواه: این که ما در شرایطی که حال سینمای کودک و نوجوان اینقدر وخیم بوده، آن را رها نکرده‌ایم، نشان‌دهنده عشق‌مان به کودکان و نوجوانان سرزمین‌مان و شناخت‌مان از اهمیت این گونه سینمایی است. اما نکته‌ای دیگر هم هست. در طول این سال‌های افول و رکود سینمای کودک و نوجوان گاهی با خودم فکر کرده‌ام که بعضی از دوستان دست‌اندرکار انگار دوست ندارند که امثال من در این حوزه بمانند و به این نتیجه رسیده‌ام که باید بمانم و بمانیم. فکر میکنم زمان، دیر یا زود تکلیف خیلی چیزها را معین میکند. درست است که هفت، هشت ماه است که تقاضایمان برای برگزاری یک جلسه گفتگوی دوستانه و غیر رسمی با چند تن از مدیران فرهنگی سینما به در بسته خورده، باز صبوری میکنیم. دیر است و دور نیست که مدیران فرهنگی، اگر دلسوز و صادق باشند (که حتماً هستند)، احساس بی‌نیازی از جمعی باتجربه و کارآشنا را کنار خواهند گذاشت و از ما سینماگران برای برافراشتن دوباره پرچم سینمای کودک و نوجوان کشورمان یاری خواهند خواست.

اژدری: من بچه‌هایم را دوست دارم و قبل از هر چیزی به خاطر بچه‌هایم فیلم کودک می‌سازم و حس می‌کنم اول بچه‌های خودم و بعد بچه‌های دیگران به این نوع آثار نیاز دارند. احساس می‌کنم در نمایشنامه کرگدن یونسکو من «برانژه» هستم و همان کسی هستم که تفنگ بر دوشم می‌گذارم و از هویت انسانی خود دفاع می‌کنم و زمانی که می‌بینم که همه کرگدن می‌شوند، من برای چه باید کرگدن شوم؟ من می‌ایستم و از سینمای کودک تا جایی که می‌توانم دفاع می‌کنم.

ترکمانی: از سال ۶۸ فیلم مستند درباره بچه‌ها می‌ساختم و آن سال‌ها نیز آثار مستندمان را جایی نمایش نمی‌دادند ولی از سال ۶۸ تا ۸۰ به کارم در این عرصه ادامه دادم. من به این کار اعتقاد داشتم به همین خاطر «بنیاد سینمایی کودک» را حتی بدون هیچ حمایتی پیش بردم. چون می‌دانم کسانی که در این عرصه پایمردی از خود نشان دادند نتیجه‌اش را خواهند دید و همچنان این راه را ادامه می‌دهم و از کسانی که فیلمسازی را در حوزه کودک کنار گذاشتند می‌خواهم به این فضا بازگردند. ما نیاز داریم که دستان‌مان بیشتر شود و از همه فیلمسازان کودک درخواست می‌کنم که دستان‌مان را به هم دهیم. فقط در شرایط بودن در کنار هم است که می‌توانیم جریان سینمای کودک را ایجاد کنیم و آن را سرپا نگه داریم.